

پدیده ارث

فرساینده یا مقوم سرمایه اجتماعی خانواده

مهرداد توکلی راد^۱

غلامرضا غفاری^۲

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۱/۱۹ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۸/۲۰

چکیده

امروزه در جامعه ما به دلیل تغییرات گسترده اجتماعی، مقوله ارث مسائل متعددی به همراه دارد که یکی از آنها اختلافات ارثی است. استمرار این گونه از اختلافات سبب می شود تعاملات اجتماعی آشتی ناپذیر در بین وراث برقرار شود و خسارت های جبران ناپذیری به سرمایه اجتماعی نظام خانواده و خویشاوندی وارد سازد. این مقاله با اتخاذ رویافت های کیفی و با استفاده از دیدگاه های مشارکت کنندگان پژوهش - که همگی ساکن شهر رشت اند^۰ به این پرسش اساسی پاسخ می دهد که آشتی ناپذیری بین وراث، چه آثار و پیامدهایی دارد. نتایج نشان می دهد روند آشتی ناپذیری بین وراث پیامدهای مخربی دارد؛ به طوری که با از بین بردن همدلی و محبت در نظام خانواده و خویشاوندی، سبب فرسودگی سرمایه اجتماعی نهاد خانواده می شود؛ نهادی که سهم تعیین کننده ای به عنوان منبع تولید و تقویت سرمایه اجتماعی هر جامعه دارد؛ به طوری که در صورت فرسایش سرمایه نهاد خانواده باید انتظار فرسایش و اختلال در سرمایه اجتماعی در سطح جامعه را نیز داشت.

واژه های کلیدی: آشتی ناپذیری، ارث، تعاملات اجتماعی، خانواده، خویشاوندی، سرمایه اجتماعی.

۱. عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول)، m_tavakolirad@pnu.ac.ir

۲. دانشیار گروه جامعه شناسی، دانشگاه تهران، ghaffary@ut.ac.ir

مقدمه و طرح مسئله

هرچند ارث در زمره مباحث حقوقی قرار دارد، از آنجا که هر انسانی در طول عمر خود، خواه ناخواه با آن روبه‌رو می‌شود، در روابط اجتماعی نیز از آن می‌توان به‌عنوان مسئله‌ای بسیار تأثیرگذار یاد کرد. ارث تکلیف عمر انسانی و چگونگی تقسیم اموال متوفی را روشن می‌کند و موجب می‌شود که مسئولیت‌های اجتماعی افراد پس از مرگ زایل نشود؛ به‌طوری‌که ورثه ادامه‌دهنده تعهدات و دیون متوفی می‌شوند و از طریق ارث به صیانت از دودمان و فرهنگ خانواده یاری می‌رسانند (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۲: ۳-۶). انسان‌ها میراث‌های گوناگونی برجای می‌گذارند که عمدتاً شامل دو جنبه مادی و معنوی است. آنچه با کلمه ارث در اذهان جلوه‌گر می‌شود، بیش از همه بعد مادی قضیه است. درحالی‌که گران‌بهاترین میراثی که انسان‌ها برای فرزندان و نسل پس از خود بر جای می‌گذارند، علوم و تجربیات آن‌هاست. با وجود این، خانواده‌های زیادی بر سر تقسیم مال و ثروت پدران خود دچار اختلافات شدید می‌شوند که گاهی زیان‌های جبران‌ناپذیری بر جامعه تحمیل می‌کند. این امر قانون‌گذاران کشورها را بر آن داشته تا در مورد ارث و نحوه تقسیم آن در میان بازماندگان، قوانینی وضع کنند و دستگاه‌های قضایی را موظف سازند تا بر حسن اجرای این مقررات نظارت داشته باشد. کشور ما از این قاعده مستثنا نیست و در قانون مدنی برای این موضوع تدابیری اندیشیده شده است. با این اوصاف، با توجه به نفوذ انگاره‌های مدرنیته و تخریب نظام‌های سنتی در تاروپود جامعه ایرانی، پدیده ارث و تضادهای حاصل از آن، نظام خانواده و خویشاوندی و انسجام اجتماعی در جامعه را به شدت تخریب کرده است. نکته مهم اینجاست که راهکارهایی که در نظام دینی برای ارث مهیا شده، پیوسته به‌دنبال تحکیم بنیان‌های نظم اجتماعی است، اما با رجوع به دادگاه‌ها و شوراهای حل اختلاف، به‌وضوح می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین تقابل‌های اجتماعی در سطح جامعه، نزاع‌های حاصل از میراث درگذشتگان است که گاهی دایره اختلافات آن‌ها به نسل‌های دیگر نیز سرایت کرده است. می‌توان گفت خانواده جایی است که باید گستره گذشت و همدلی نسبت به سایر نهادهای اجتماعی در آن فزون‌تر باشد، اما روند آشتی‌ناپذیری و تأکید بر اختلاف بین وراث، زمینه همکاری‌های متنوع اجتماعی را بین آنان مسدود کرده است. براین‌اساس، یکی از مهم‌ترین عوامل ویرانگر نظام خانواده و خویشاوندی،

اختلافات ارثی است که روح و اخلاق اجتماعی را در جامعه خدشه‌دار می‌کند. به‌طور کلی، این پدیده مسائل و سؤالات اساسی زیادی را به ذهن متبادر می‌سازد؛ برای نمونه می‌توان این سؤالات را مطرح کرد: با توجه به روشن‌بودن قوانین ارث در نظام اسلامی و قوانین کشور، چرا دایره اختلافات ارثی همچنان گسترده‌تر می‌شود؟ چرا مباحث حقوقی در این زمینه پیوسته افزایش پیدا می‌کند؟ چرا وقتی می‌توان در سایه آرامش و گذشت برحسب حقوق معین‌شده در احکام دینی و قوانین جاری کشور، سهم‌الارث را دریافت کرد، عده‌ای با لجاجت و صفت‌ناپذیر، فرایندهای آشتی‌ناپذیری را در این زمینه گزینش می‌کنند؟ چرا در خانواده به‌عنوان امن‌ترین نهادی که نزدیک‌ترین روابط اجتماعی در آن رخ می‌دهد، اختلافات ارثی زمینه بی‌اعتمادی و زوال سرمایه اجتماعی را شدت می‌بخشد؟

نگاهی به فضای مفهومی و خاستگاه پدیده ارث

با رجوع به متون مختلف علمی و دینی، حتی در قوانین موضوعه، غالباً از مفهوم ارث تعریف روشنی دریافت نمی‌شود. ارث از ریشه وَرَثَ به‌معنای آثار باقی‌مانده از شیء و انتقال اموال یا امور معنوی از انسانی به انسان دیگر است (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۷۸) و در اصطلاح فقهی عبارت است از انتقال دارایی و ترکه میت به نزدیکان او که در نسب و سبب وی باشند. به عبارت دیگر، در بیشتر کتب فقهی، ارث یا میراث عبارت است از آنچه انسانی با مرگ دیگری در اثر رابطه خویشاوندی نسبی یا سببی، اصالتاً استحقاق آن را پیدا می‌کند. به‌طور کلی، مفهوم ارث دو مفهوم ملازم دارد: ارث و وارث. ارث در لغت به‌معنای بقا و وارث به‌معنی باقی است. در این میان، به شخصی که چیزی به او منتقل می‌شود، وارث و شخصی که از او منتقل شده، موروث اطلاق می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۲: ۲۰-۲۱).

در فرهنگ معین، برای واژه ارث چند معنا ذکر شده است، از جمله «میراث‌بردن، مال و دارایی شخص متوفی را صاحب‌شدن، ترکه، باقی‌گذاشتن مالی پس از مرگ خود، خواه با وصیت‌نامه باشد یا بدون آن، حقوقی که شخص به‌سبب مرگ افراد مستحق می‌گردد» (معین، ۱۳۶۳: ۱۹۴).

در قانون مدنی ایران نیز مانند اغلب قوانین دنیا، ارث تعریف نشده است. با این حال، در ماده ۱۴۰ قانون یادشده، ارث از اسباب تملک شناخته شده و در تعریف آن آمده است: «انتقال قهری دارایی و ترکۀ متوفی به ورثه او. منظور از دارایی، حقوق مالی متوفی است که هنگام فوت، دارا بوده است» (امامی، ۱۳۴۰: ۱۶۹).

به لحاظ تاریخی، از زمانی که بشر مفهوم مالکیت را درک کرد و زندگی جمعی پا گرفت، هرکس از جهان رخت برمی بست، اموال و دارایی هایش به تصاحب دیگران درمی آمد. پیش از اسلام، در میان اقوام و ملل متمدن و غیرمتمدن جهان، این مصادره تابع زورمداری بود؛ به گونه ای که هرکس نیرومندتر بود، اموال شخص متوفی را تصاحب می کرد و افراد ضعیف و ناتوان از جمله زنان و کودکان را محروم می ساخت (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۲۲۲). شواهد بسیار زیادی از تمدن ها و ادیان قبل از اسلام وجود دارد که این ادعا را تأیید می کند؛ برای نمونه می توان گفت در امپراتوری روم، با نگرش پدرسالارانه، میراث میت را مخصوص فرزندان پدری می دانستند و فرزندان مادری را محروم می کردند تا ثروت از دست گروه اول خارج نشود. همچنین در دوران حکومت فراعنة مصر، ثروت حاصل از کار افراد، ملک پادشاه بود و پس از مرگ هر انسان، همه ثروت او در اختیار پادشاه قرار می گرفت؛ زیرا او قدرت مطلقه جامعه دانسته می شد (دوکولانژ، ۱۳۰۹: ۶۴-۶۷). در یونان قدیم، اموال و ثروت انسان ها ملک عموم جامعه بود؛ به طور کلی، هر انسان نماینده جامعه در اداره آن ها تلقی می شد و بنابراین، ثروت او هم پس از مرگ در اختیار جامعه قرار می گرفت و پسر ارشد نمایندگی جامعه را در اداره میراث متعهد می شد. البته یونانی ها مانند مصریان در دوره دوم ارتقای فرهنگی خود به این نتیجه رسیدند که نمی توان دل بستگی شدید افراد به اموال و دسترنج و فرزندان شان را نادیده گرفت. بی توجهی حکومت به این واقعیت، انگیزه کار و تلاش را نابود می کرد و در میان مردم دشمنی به وجود می آورد. پس از آن بود که قانون انتقال میراث به بزرگ ترین پسر میت تصویب و اجرا شد (صدر، ۱۳۴۲: ۱۲-۱۵). در تمدن ایران باستان نیز اوضاع مشابه سایر تمدن های مسلط آن زمان بود. در این تمدن، اساساً زن جزئی از اموال و دارایی متوفی به شمار می آمد. در میان آریایی ها محرومیت دختر از ارث یک قاعده بود، اما هرگاه پدر از دنیا می رفت و دختر ازدواج نکرده بود، می توانست به اندازه نصف سهم پسر، از ترکۀ پدرش برخوردار شود. در این

نظام، با توجه به اینکه نکاح با محارم و تعدد زوجات رایج بود، بسیار اتفاق می افتاد که از میان زنان، زنی که بیشتر از دیگران محبوب شوهر بود، به عنوان یکی از پسران وی پذیرفته می شد و تمامی ترکه شوهر به او تعلق می گرفت و بقیه زنان از ارث محروم بودند (عمید، ۱۳۴۲: ۱۴-۱۵). همچنین در تمدن ایران باستان، به دخترانی نیز که ازدواج کرده بودند، به خاطر اینکه مال پدر به خارج از خانواده منتقل نشود ارث نمی دادند، ولی به دخترانی که هنوز ازدواج نکرده بودند، به اندازه نصف سهم پسر ارث می دادند؛ بنابراین، اگر دختری ازدواج می کرد، از پدر یا کفیل خود ارث نمی برد (نفیسی، ۱۳۸۴: ۴۲).

ارث در میان شریعت‌ها و ادیان گوناگون نیز مسیرهای مشابهی مانند تمدن‌های گذشته پشت سر گذاشته است. ابتدا باید گفت که با تتبع در آیات قرآن مجید پی می بریم که ارث از قوانین منحصر به فرد اسلام نیست و در ادیان گذشته نیز وجود داشته است. قرآن این مسئله را در مورد حضرت زکریا^۱ و تقاضای ایشان برای وراثت و نظارت بر اموال خویش و حضرت سلیمان و ارث بردن حضرت داوود از ایشان^۲ مطرح کرده است (مکارم شیرازی، ۱۳۶۱: ۹). برای روشن شدن وضعیت نظام ارث‌بری در ادیان، چند نمونه را ذکر می کنیم.

در میان یهودیان، قانونی مرسوم بود که تا وقتی مردی از ورثه وجود دارد، زنان اعم از همسر، دختر، عمه و خاله اصلاً ارث نمی برند و میراث باید بین ورثه ذکور تقسیم شود (فهیمی، ۱۳۸۱: ۲۳۷-۲۴۲). در آیین مسیحیت که براساس معنویت و اخلاق و آخرت‌گرایی بنا شده، انجیل فقه مستقلی در این زمینه ارائه نکرده و بنابراین، ارباب کلیسا مسیحیان را به شریعت یهود در مورد ارث ارجاع می دادند (هاکس، ۱۳۹۴: ۹۰۳). در این میان، نظام ارث‌بری در میان عرب دوران جاهلی متمایزتر بود. در عربستان جاهلی، قوانین متفاوتی در قبایل اجرا می شد که یکی از آنها این بود که مقتدرترین و جنگجوترین فرد بازمانده، تنها ورثه میت می شد. معمولاً زنان و کودکان در آن محیط از ارث محروم بودند. عرب جاهلیت به خاطر ضعف جسمی زن، مخالف ارث‌بردن او بود و تا وقتی پای مردی در طبقات بعدی در میان بود، به زن ارث نمی داد. علت اصلی محرومیت زنان از ارث، جلوگیری از انتقال ثروت

۱. سوره مریم، آیات ۵ و ۶ و ۱۹؛ آل عمران، آیات ۳ و ۳۸؛ سوره انبیاء، آیات ۲۱ و ۸۹

۲. سوره نمل، آیات ۱۶ و ۲۷

خانواده‌ای به خانواده دیگر و نیز ضعف قدرت جنگاوری زنان بود. اعراب گاهی زن میت را جزء اموال و دارایی او به حساب می‌آوردند و سهم الارث او را تصاحب می‌کردند. این رسوم ارث‌بری نابرابرانه عرب عصر جاهلیت را آموزه‌های اسلام منسوخ کرد (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۲۲۳-۲۲۶). اسلام قوانین ظالمانه ارث را از بین برد و با تشریح آیات ارث، مردم را به این مسئله آگاه کرد که حقی ثابت در اموال باقی‌مانده متوفی برای وارث‌ها وجود دارد و با این حکم، مانع خوردن اموال یتیمان و زنان و محروم کردن آن‌ها از ارث شد (قمی، ۱۳۶۷، ج ۱: ۲۸۰). به‌طور کلی، دین اسلام قوانین ارث را بر مبنای اصولی اخلاقی و انسانی بنیان نهاده که می‌توان آن‌ها در چهار محور زیر قرار داد: ۱. فطری بودن، ۲. بازتوزیع ثروت، ۳. سطح نیازمندی و ۴. وحدت و حفظ نظام خویشاوندی.

محور چهارم اصول مرتبط با قوانین ارث در اسلام، ما را به مفهوم سرمایه اجتماعی نزدیک می‌سازد. در واقع، سرمایه اجتماعی شامل منابع مفید قابل دسترس برای کنشگران است که از طریق روابط اجتماعی پدید می‌آید و به فرد یا گروه اجازه می‌دهد تا شبکه پایداری از روابط کم‌و بیش نهادینه‌شده آشنایی و شناخت متقابل را در اختیار داشته باشند (فیلد، ۱۳۸۵: ۳۱). به‌هر روی، کمیت و کیفیت روابط درون خانواده، سرمایه اجتماعی خانواده را تعیین می‌کند (آیسرل و همکاران، ۲۰۰۱: ۴۵). بدین ترتیب، ارث یکی از پدیده‌هایی است که بر سطح تعاملات درون خانواده و متعاقب آن میزان سرمایه اجتماعی اثر می‌گذارد و در این زمینه، بسیار قابل تأمل است.

روش پژوهش

از آنجا که پیشینه پژوهشی کافی برای این تحقیق وجود ندارد، ناگزیر روش کیفی برای پاسخ به پرسش‌های پژوهش انتخاب شد تا از این طریق، تحلیلی نظری از دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان تحقیق ارائه شود. نمونه‌گیری به سه روش گلوله‌برفی^۱، هدفمند^۲ و نظری^۳ انجام شد. دو نمونه‌گیری گلوله‌برفی و هدفمند هم‌زمان انجام شدند. به این صورت که شیوه نمونه‌گیری

-
1. Snowball sampling
 2. Purposive sampling
 3. Theoretical sampling

گلوله‌برفی، این امکان را برای پژوهشگران فراهم کرد که با سرعت زیادی از طریق مشارکت‌کنندگان این تحقیق، افرادی انتخاب شوند که بیشترین اطلاع را در زمینه اهداف مورد نظر پژوهش حاضر دارند. به عبارت دیگر، زمینه‌های نمونه‌گیری مبتنی بر هدف را تسهیل کردند. شیوه تحلیل داده‌های استخراج‌شده در این پژوهش مبتنی بر روش نظریه بنیادی^۱ است. استفاده از این نوع شیوه تحلیل با ترسیم مدل پارادایمی استراوس و کربین شامل شرایط علی، پدیده، زمینه، شرایط مد/خله‌گر، رویکردها و پیامدها همراه شد. استفاده از این مدل برای بالارفتن اعتبار و افزایش تحلیل نظری در این پژوهش و نیز بالابردن کارایی نمونه‌گیری نظری در فرایند تحلیل داده‌ها بود. نمونه‌گیری نظری نوعی گردآوری داده‌هاست که براساس مفاهیم درحال‌تکوین انجام می‌شود و عمدتاً بر مفهوم مقایسه استوار است (استراوس و کربین، ۱۳۹۲: ۲۱۹). نمونه‌گیری نظری که یکی از مهم‌ترین انواع نمونه‌گیری‌های روش‌بنیانی است، بستر لازم برای اشباع اطلاعات حاصل‌شده از نمونه‌گیری مبتنی بر هدف را میسر می‌سازد (بلیکی، ۱۳۸۴: ۳۰۸-۳۰۹). در این تحقیق که به شدت نیازمند تفسیر داده‌ها بود، نمونه‌گیری نظری زمینه تفسیر جامع و رسیدن به اشباع نظری را نسبت به پدیده مورد بررسی فراهم آورد و با رفت‌وبرگشت‌های مداومی که بین جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل آن‌ها صورت گرفت، فرایند مفهوم‌سازی و مقوله‌بندی و کشف قضایای بین داده‌های جمع‌آوری‌شده آسان‌سازی شد.

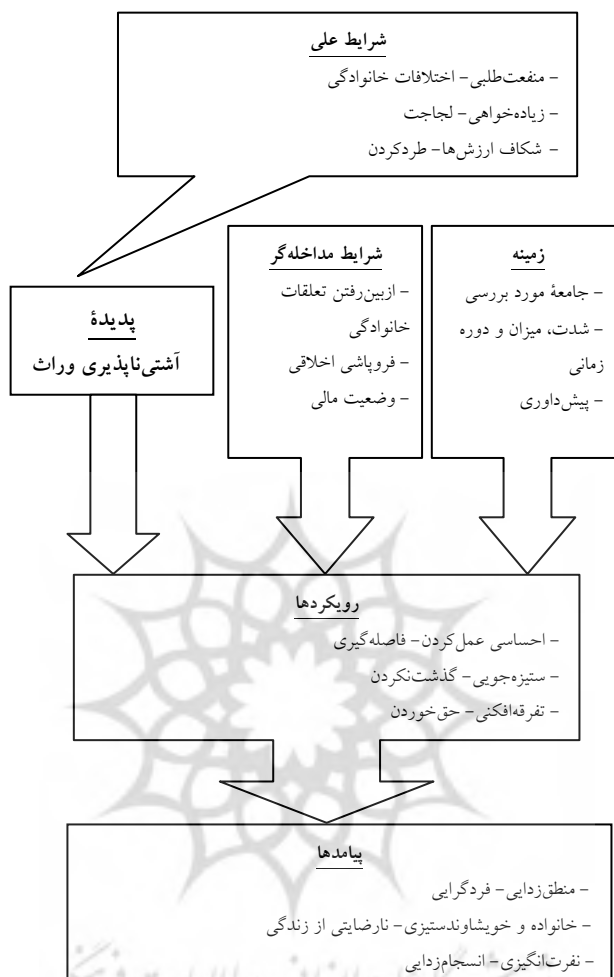
در این پژوهش، شهر رشت در استان گیلان به‌عنوان میدان پژوهش برگزیده شد و داده‌های آن از طریق مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساخت‌یافته با افراد جمع‌آوری شد. در این تحقیق، ۲۲ مصاحبه برای رسیدن به اشباع نظری صورت پذیرفت که بین ۶۰ تا ۱۲۰ دقیقه به‌طول انجامید. پژوهشگران برای غنی‌شدن تحلیل و نتایج داده‌ها پاسخگویان را برحسب تنوع‌های جنسیتی، تحصیلاتی انتخاب کردند و از آنجا که این پژوهش به‌دنبال افرادی بود که دارای تجربه‌های مستقیم و ادراک‌شده در باب موضوع مورد تحقیق باشند؛ بنابراین، بیشتر افراد در سنین میان‌سالی انتخاب شدند که در جدول ۱ کاملاً مشهود است.

جدول ۱. مشخصات مشارکت کنندگان پژوهش

ردیف	جنسیت	سطح تحصیلات	سن
۱	مرد	دیپلم	۵۲
۲	مرد	سیکل	۴۸
۳	مرد	سیکل	۳۷
۴	زن	کارشناسی	۳۱
۵	زن	کارشناسی ارشد	۳۷
۶	مرد	دیپلم	۴۶
۷	زن	کارشناسی ارشد	۵۰
۸	مرد	دیپلم	۵۱
۹	مرد	کارشناسی ارشد	۴۹
۱۰	مرد	کارشناسی	۴۳
۱۱	مرد	کارشناسی	۴۰
۱۲	زن	دیپلم	۳۹
۱۳	زن	کارشناسی	۴۰
۱۴	مرد	کارشناسی	۴۹
۱۵	زن	دیپلم	۳۸
۱۶	مرد	کارشناسی ارشد	۳۶
۱۷	زن	کاردانی	۴۸
۱۸	زن	کارشناسی	۴۴
۱۹	زن	کارشناسی	۴۰
۲۰	مرد	کاردانی	۴۲
۲۱	مرد	کاردانی	۴۷
۲۲	مرد	دیپلم	۴۵

یافته‌های پژوهش

یافته‌ها گواهی می‌دهد که تعاملات اجتماعی آشتی‌ناپذیرانه در بین وراث برای دسترسی به اموال درگذشتگان، به سرعت در سطح جامعه و خانواده در طبقات گوناگون اجتماعی در حال افزایش است و با سرعت وصف‌ناپذیری زمینه‌های کاهش سرمایه اجتماعی را فراهم آورده است. با این حال، برای تحلیل منسجم داده‌های به دست آمده در این پژوهش، برحسب اجزای مدل پارادایمی استراوس و کرین که در شکل ۱ نمایان است، به ارائه یافته‌های پژوهش می‌پردازیم.



شکل ۱. پیامدهای تعاملات اجتماعی آشتی ناپذیر وراث

شرایط علی به وجود آورنده پدیده آشتی ناپذیری وراث

مجموعه عوامل متعددی در شکل دهی روابط اجتماعی آشتی ناپذیر بین وراث دخیل اند که یکی از مهم ترین آنها منفعت طلبی یا ولع انتقال ثروت است. وراث از طریق انتقال اموال موروثی، صاحب مال و مکنت می شوند. این منفعت سبب می شود در پاره ای اوقات، نوع روابط اجتماعی آنان از حالت های دوستانه و محبت آمیز به شکل خودمحورانه، خصمانه یا

صلح‌ناجویانه تبدیل شود. در این پژوهش، مشارکت‌کنندگان به‌وفور بر این مسئله تأکید داشتند که آن را در جملات زیر می‌توان مشاهده کرد:

«مال دنیا شیرینه... بعضی از وراث دوست دارند این شیرینی رو با هر ترفندی که شده برای خودشون به‌دست بیارن (۷). وارث یعنی حارص. جز خودش کس دیگه‌ای رو نمی‌بینه (۶). اکثر دعوای ارثی به‌خاطر حرص بیش از اندازه مال دنیاست (۱۴).»

از عوامل دیگری که در تخریب روابط مسالمت‌آمیز بین وراث نقش کلیدی دارد، زیاده‌خواهی است. برحسب احکام اسلام و قوانین ارث در ایران، سهم‌الارث بازماندگان به شکل روشن معین شده است، اما علی‌رغم این وضوح، گاهی عده‌ای از وراث فراتر از حق خود را طلب می‌کنند که این امر به‌شدت بنیان تعاملات مطلوب اجتماعی بین آن‌ها را ویران می‌سازد:

«بعضی از وراث برای خودشون سهم زیادتری قائل می‌شن (۱۶). بعضی به دلایلی مثل اینکه پدر و مادرشون رو بیشتر نگه داشتند یا اون‌ها براشون وصیت لفظی درباره بخشی از اموال خودشون رو کردن... از سایر بازمانده‌ها ارث بیشتری می‌خوان. همین باعث می‌شه که جاروجنجال بین اون‌ها طولانی‌تر بشه (۱۲) ما باید به حق خودمون قانع باشیم. وقتی به حق خودمون قانع نیستیم... می‌افتیم به جون همدیگه (۳).»

از مهم‌ترین شاخص‌های ایجادکننده روابط آشتی‌ناپذیرانه بین وراث، شکاف ارزش‌هاست. ارزش‌ها را می‌توان در زمره مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده جهت‌های رفتاری اعضای جامعه و نیز زیربنای نظم اجتماعی دانست (رابرتسون، ۱۳۷۴: ۶۰-۶۴). امروزه شتاب تحولات فرهنگی و اجتماعی موجب ویرانی چتر حمایتی سنت، و تزلزل ارزش‌های خانواده و خویشاوندی شده است و افراد با تأکید بر فردگرایی، روحیه مسالمت‌جویانه خود را تا حد زیادی از دست داده‌اند. آنان با فراموش کردن ارزش‌های تحکیم‌یافته درون نظام خانواده و خویشاوندی، با اصرار بر روابط خصمانه، علاوه بر تخریب پایه‌های انسجام اجتماعی، ارزش‌های مسلط جامعه را نیز تضعیف می‌کنند. بیشتر مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر بر این اعتقادند که زمینه‌های ایجاد روابط آشتی‌ناپذیر بین وارثان را باید در شکاف یا فاصله ارزشی بین آن‌ها جست‌وجو کرد:

«الان با قدیما خیلی فرق کرده... کسی دنبال این جور کارا [جدال بر سر ارث و میراث] نبود (۸). خواهر و برادرها الان مثل قبل پشت هم نیستند. هر کسی دنبال منافع خودش (۱۲). الان دیگه خانواده‌ها خبری از هم نمی‌گیرن... اصلاً برای هم مهم نیستن... فقط به فکر خودشون (۱۱).»

شکاف ارزش‌ها در یک ارتباط زنجیروار، به علت نضج روابط غیرمناسب حاصل از دسترسی به اموال موروثی، اختلافات خانوادگی ایجاد می‌کند. خانواده سنگ‌بنای جامعه بزرگ انسانی است که اگر دچار آسیب شود، روابط سالم اعضای خانواده خدشه‌دار می‌شود. امروزه با توجه به عوامل بیرونی اثرگذار بر خانواده، جامعه ایرانی با تفاوت نسلی روبه‌رو شده است. این تفاوت‌ها سبب شده است اعضای خانواده در مقابل هم قرار گیرند (یوسفی، ۱۳۸۳: ۲۸-۳۰). تمایزهای بین‌نسلی، پدیده‌ای متداول است که در هر جامعه‌ای بین نسل‌های مختلف وجود دارد و تا اندازه‌ای دارای تعارض و کشمکش نیز است (آزاد ارمکی، ۱۳۸۳: ۱۶). نکته مهم این است که تعارض نسل‌ها در مظاهر فرهنگی و سلوک اجتماعی قشرهای مختلف جامعه، به‌ویژه میان نسل جدید و قدیم رخ می‌دهد (قبادی، ۱۳۸۲: ۵۴)؛ به‌طوری‌که سبب می‌شود جهان‌بینی و نظام ارزشی و رفتاری این دو نسل از هم متمایز شود. به عبارت بهتر، تعارض نسل‌ها به دلیل دگرگونی در ارزش‌ها و ایستارهای مسلط در جامعه رخ می‌دهد و موجب پدیدارشدن پدیده گسست یا انقطاع نسلی می‌شود. این پدیده به معنای وضعیتی است که در آن، آخرین پیوندهای وابستگی افراد از نسل گذشته منقطع می‌شود و اغلب در این راه، به طغیانگری و عصیان می‌پردازند (اسپاک، ۱۳۶۴: ۲۵۹). در این پژوهش، بسیاری از مصاحبه‌شوندگان تأکید داشتند که باید ریشه نزاع‌های بین وراث را در اختلافات خانوادگی جست‌وجو کرد. اختلافاتی که در یک دوره زمانی انباشته شده و به دلیل تغییر نظام حمایتی درون خانواده و تعارض نسلی، به شعاع آن افزوده شده است. به عبارت دیگر، روند آشتی‌ناپذیری در تقسیم اموال متوفی گاهی نقطه فروپاشی کامل تعاملات خانوادگی می‌شود:

«تو گذشته، وقتی می‌خواستن ارث رو تقسیم کنند، همه حرف بزرگ‌تر رو گوش می‌کردن (۱۹). تو این دوره و زمونه، خواهر و برادرها از هم دور شدن. به

همین خاطر محبت بینشون هم کم شده... حالا وقتی موقع تقسیم ارث می‌شه، دیگه ملاحظه‌هیچی رو نمی‌کنن... انگار با هم هفت پست غریبه‌ن (۵)»
 دو عامل شکاف ارزش‌ها و ازدیاد اختلافات خانوادگی، هم‌زمان سبب لجاجت در روابط خانوادگی و خویشاوندی می‌شود. در لجاجت یا سرسختی، فرد هیچ استدلال منطقی‌ای را نمی‌پذیرد. برخی از وراث از این طریق با پافشاری بر امور غیرمنطقی، هستی نظام خانواده و ارتباطات سازنده آن را تخریب می‌کنند. در اظهارت زیر از سوی برخی از مشارکت‌کنندگان این پژوهش، تأثیر لجاجت قابل مشاهده است:

«وقتی وراث برای صلح بینشون قدمی بر نمی‌دارن، بعد از مدتی با هم سر لج می‌افتن. وقتی این اتفاق افتاد دیگه نمی‌شه کاری کرد (۴). بیشتر ورثه به خاطر لج و لجبازی است که با هم اختلاف دارن (۱۲). باید خیلی مراقب بود. چون وقتی لجبازی بین وراث زیاد شد، بین اون‌ها کینه و دشمنی زیاد می‌شه و اگه به اینجا رسید، دیگه باید فاتحه خانواده رو خونند (۱۰)».

لجبازی سبب می‌شود بی‌اعتمادی و بدگمانی بین افراد و به‌طور خاص ورثه فزونی گیرد و افراد یکدیگر را طرد کنند. این عامل روند آشتی‌ناپذیری ورثه را تحکیم می‌بخشد. طرد اجتماعی به معنای ازهم‌گسیختگی فرد و جامعه است و به فقر، ضعف دانش و مهارت، کناره‌گیری از اجتماع و زندگی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه منجر می‌شود (شبان، ۲۰۱۱: ۱۱۷). طرد اجتماعی اشکال متنوعی دارد، اما می‌توان گفت نزاع‌های خانوادگی و به‌ویژه

ستیزه‌جویی‌ها بر سر کسب اموال موروثی، به دلیل طرد بین وراث آشکارتر می‌شود:

«من کسایی رو می‌شناسم که به خاطر ارث و میراث وقتی تو جمع قرار می‌گیرن، اصلاً به هم محل نمی‌ذارن (۱۸). به خاطر مال دنیا [ارث] برادرها و خواهرها از هم دور شدن و مثل دشمن با هم برخورد می‌کنن (۱۱). خیلی‌ها هستن که رابطه‌شونو برا همین ارث و میراث قطع می‌کنن و همدیگه رو فراموش می‌کنن... انگار نه انگار که از یه خونن (۱۳)».

زمینه‌ها و شرایط مداخله‌گر مؤثر بر رویکردهای پدیده آشتی‌ناپذیری وراث

آشتی‌ناپذیری وراث، از زمینه‌های مختلفی مانند «جامعه مورد بررسی»، «شدت، میزان و دوره زمانی» و «پیش‌داوری» تأثیر می‌پذیرد. جامعه مورد بررسی شامل افرادی است که تقریباً به شکل مستقیم، تجربه بی‌واسطه‌ای از روابط اجتماعی حاصل از تقسیم ارث دارند و پدیده آشتی‌ناپذیری بین وراث، به‌انحای مختلف در میان آن‌ها مشهود است. زمینه‌های ایجاد پدیده آشتی‌ناپذیری وراث، فارغ از جامعه مورد بررسی، تحت تأثیر دوره زمانی بود و براین‌اساس، شدت آن نوسان داشت. بنا به اظهار مشارکت‌کنندگان این پژوهش، روند آشتی‌ناپذیری وراث - همان‌طور که از ماهیت آن مشخص است - عمدتاً پس از مرگ متوفی آغاز می‌شود و در صورت اختلاف بین وراث، میزان و شدت آن افزایش می‌یابد. درنهایت، از زمینه‌های بسیار مهمی که موجب بروز رفتارهای آشتی‌ناپذیرانه بین وراث می‌شود، وجود پیش‌داوری در این رابطه است. پیش‌داوری در لغت به‌معنای نظر منفی، تعصب و غرض است (آریان‌پور کاشانی، ۱۳۷۸: ۶۴۸). پیش‌داوری، قضاوت زود هنگام، پندار یا احساسی ویژه به یک موضوع است که معمولاً قبل از جمع‌آوری و بررسی اطلاعات لازم پدید می‌آید و مبتنی بر شواهد ناکافی یا حتی خیالی است (آذربایجانی، ۱۳۸۲: ۱۸۳). پیش‌داوری از جمله زمینه‌هایی محسوب می‌شود که بر فرایند اختلاف ناشی از ارث اثرگذار است. بسیاری از مشارکت‌کنندگان اظهار داشتند که تصورات غلطی که برخی از وراث از هم دارند، مانند توهم حق‌خوری، پنهان‌کردن اموال متوفی، ترس از مصادره شدن اموال موروثی، باورکردن القائات تفرقه‌افکنانه نزدیکان و غریبه‌ها و... به‌صورت جدی دامنه روابط خصمانه بین وراث را افزایش می‌دهد.

عوامل ساختاری‌ای که به‌عنوان شرایط مداخله‌گر بر رویکردهای پدیده آشتی‌ناپذیری وراث اثر می‌گذارند و ممکن است حرکت آن را تسهیل یا محدود کنند، عمدتاً عبارت‌اند از: ازبین‌رفتن تعلقات خانوادگی، فروپاشی اخلاقی و وضعیت نامطلوب مالی. از کلیدی‌ترین شرایط مداخله‌گری که در عمق‌بخشی به پدیده مورد نظر مؤثر است، ازبین‌رفتن تعلقات خانوادگی است. وقتی فرد از خانواده خود جدا می‌شود، به‌عنوان یک ناآشنای بعضاً کینه‌توز در قالب وارثی حریص، به نزاع‌های طولانی در خانواده دست می‌زند و فرایند آشتی‌ناپذیری را بسیط‌تر می‌کند:

«خانواده‌ها الان دیگه مثل سابق نیستن... خیلی از هم دور شده‌ن (۷). خانواده‌ها دیگه مثل قبل به هم تعلق ندارن (۱۴). دعوای ارثی، وابستگی خانواده‌ها رو به هم کم کرده (۱۰).»

شرایط مداخله‌گر دیگری که بر رشد پدیده آشتی‌ناپذیری وراث مؤثر است، فروپاشی اخلاقی است. نکته مهم این است که به‌لرزه‌درآمدن ارکان اخلاق در جامعه و فروریختن تدریجی ارزش‌ها، خشونت را در انواع گوناگون آن ایجاد می‌کند. یکی از جلوه‌های این خشونت در نزاع‌های درون‌خانوادگی، ناشی از تقابل‌های ارثی است. این نوع خشونت، دو تأثیر هم‌زمان بر جامعه می‌گذارد. به این شکل که در سطح خرد، به فروپاشی خانواده منجر می‌شود و در سطح کلان، فروپاشی جامعه را رقم می‌زند. افزایش میانگین معاملات ناسازگارانه بین وراث، نشان‌دهنده کاهش اخلاقیات به‌ویژه اخلاق اجتماعی در سطح جامعه است (شیروانی، ۱۳۷۹: ۷۹). اگر ارث‌بری بر مدار عدالت و حسن‌نظر نباشد، زندگی اجتماعی برای افراد دشوار و غیرقابل‌تحمل می‌شود. در این پژوهش، مشارکت‌کنندگان اظهار داشتند که عاملی که آشتی‌ناپذیری وراث را تقویت می‌کند، کم‌شدن مراعات‌های اخلاقی در جامعه است: «وقتی افرادی هیچ جایی بند نیستن... حالا چه انتظاری باید داشت که سر ارث و میراث با هم جنگ و دعوا نکنند (۳). وقتی حرمت بین اعضای خانواده از بین می‌ره، دیگه نباید از زیاد شدن این جور کارها [دعوا بر سر ارث] تعجب کرد (۱۹). واقعاً برخورد در جمع با بزرگ‌ترها و حتی فامیل و آشنا رو از یاد بردیم (۲۲).»

بالاخره از بارزترین شرایط مداخله‌گری که در ایجاد پدیده آشتی‌ناپذیری بین وراث دخیل است، وضعیت مالی است. ارث فرایندی است که در آن، انتقال مال و دارایی متوفی بین بازماندگان صورت می‌گیرد. اگر در این بین، وضعیت مالی برخی از وراث نامطلوب باشد، روند تقسیم مال ممکن است به دلیل تعجیل در انتقال اموال، بیشتر با آشتی‌ناپذیری یا خصومت همراه باشد. البته همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، صرفاً وضعیت نامطلوب در این امر دخیل نیست، بلکه گاهی ممکن است برخی از وراث تمکن مالی داشته باشند، اما به علل گوناگون شخصی، حتی با سماجت بیشتر از سایر وراث برای گرفتن سهم‌الارث خود تب‌وتاب داشته باشند؛ بنابراین، وضعیت مالی در بروز پدیده مورد نظر دوگانگی پیچیده‌ای ایجاد می‌کند که هم

وراث کم‌بضاعت و هم وراث متمکن را با شیب تقریباً یکسان و مشابه، به سمت رفتارهای آشتی‌ناپذیرانه سوق می‌دهد.

رویکردهای آشتی‌ناپذیری وراث

کنشگران رویکردهای بسیاری در فرایند ارث‌بری در پیش می‌گیرند، اما برحسب تجربه زیسته و دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان این پژوهش، به شکل موردی مطابق با شکل ۱ به آن اشاره می‌شود. وقتی وراث با یکدیگر بر سر تقسیم اموال متوفی صلح نمی‌کنند، ممارست‌ورزیدن به چنین وضعیتی کنش‌های متقابل آن‌ها را مخدوش می‌سازد. در نتیجه به رفتارهای نامعقول و احساسی دست می‌زنند. هریک از ورثه با نشان‌دادن کنش‌های احساسی، فارغ از هرگونه تدبیر، به خدشه‌دارکردن حریم و هویت انسانی دیگران می‌پردازد و بدین ترتیب، هیچ‌گونه مسالمتی را در جریان توافق عدالت‌گونه تقسیم دارایی‌های موروثی پذیرا نمی‌شود:

«وقتی نزاع‌های ارث‌ومیراثی زیاد شد... وراث با هم سر لج می‌افتن (۱۴). وقتی

به هیچ صورتی وراث نمی‌خوان با هم صلح کنن، دیگه اصلاً عقل و منطق در اینجا

کارساز نیست. فقط می‌خوان هر طور شده حال همدیگه رو بگیرن. هیچ‌کس

نمی‌خواد طرف مقابلش به هدفش برسه (۲۱).»

از رویکردهای دیگر در این زمینه، خشونت‌جویی است. بسیاری از مشارکت‌کنندگان این پژوهش اظهار داشتند که به‌علت بالاگرفتن خصومت بین ورثه، احتمال بروز درگیری‌های شدید لفظی و فیزیکی بین آن‌ها فزونی یافته است؛ به‌طوری‌که گاهی به‌دلیل همین ستیزه‌جویی، خسارت‌های جبران‌ناپذیری بر پیکره خانواده‌ها و حتی جامعه وارد آمده است. دو رویکرد احساسی عمل‌کردن و خشونت‌جویی، همواره با رویکرد تفرقه‌افکنی شعاع گسترده‌تری پیدا می‌کند. در فضای ستیزه‌جویانه بین وراث، عده‌ای در داخل یا بیرون خانواده با اهداف مشمئزکننده به دنبال آن‌اند که با شعله‌ورترساختن این کنش‌های نامطلوب، منفعت خود را تأمین کنند. به‌طورکلی، بسیاری از اختلافات خانوادگی و اختلافات ناشی از ارث‌بری، ریشه در توطئه‌چینی‌هایی دارد که در داخل خانواده به شکل خواسته یا ناخواسته ظاهر می‌شود. متأسفانه به دلایلی مانند کمرنگ‌شدن محبت، کاهش دیدوبازدیدهای مستمر بین اعضای خانواده و

افزایش چشم‌وهم‌چشمی بین خانواده‌ها و خویشاوندان، تفرقه‌افکنی با سهولت بیشتری در خانواده‌ها رخنه کرده و تأثیر فراوانی بر آن‌ها نهاده است. برخی از مشارکت‌کنندگان اظهار داشتند که عده‌ای از وراث برای آنکه دوست ندارند ورثه دیگر از منافع ارث بهره ببرند، با تفرقه‌افکنی بین آن‌ها، روند آشتی‌ناپذیری بین وراث را تداوم می‌بخشند:

«وقتی عده‌ای از وراث، نفعشون در تقسیم‌نشدن امواله... اون وقت با هر دوز و کلکی سعی می‌کنن ارث بین خودشون تقسیم نشه تا همچنان دعوا و جنجال باقی بمونه (۸). وقتی وارثی دوست نداشته باشه ارث تقسیم بشه هر کاری از دستش برمی‌آد می‌کنه تا اختلافات حالاحالاها حل‌وفصل نشه (۱۱). کینه‌ها و بدگمانی‌ها باعث می‌شه وراث نسبت به هم توهم توطئه پیدا کنند (۱۶).»

سه رویکرد بالا زمینه‌ساز شکل‌دهی رویکرد دیگری بین وراث آشتی‌ناپذیر می‌شوند و آن فاصله‌گرفتن آن‌ها از هم است. وقتی روابط بین وراث به علت چانه‌زنی‌های مختلف مخدوش می‌شود، به دلیل وجود روابط تخریبی طرفین، به مرور زمان از هم جدا می‌شوند و روابط خانوادگی را قطع می‌کنند. این امر زمینه‌ساز فروپاشی نظام خانواده و خویشاوندی در جامعه می‌شود:

«کش‌وقوس‌های بین وراث نتیجه‌ای جز دورشدن اون‌ها از هم نداره (۱۴). وقتی دعوای بین اون‌ها [وراث] همچنان ادامه داشته باشه، آخرش جز قطع رابطه چاره دیگه‌ای پیدا نمی‌شه (۱۷). خانواده‌های زیادی الان هستن که صرفاً به‌خاطر ارث‌ومیراث از هم جدا شده‌ن و سال‌های ساله که رابطه‌ای با هم ندارن (۲۰).»

فاصله‌گرفتن خانواده‌های وراث از هم سبب می‌شود آنان به رویکردهای احساسی و لجاجت‌های بیهوده روی بیاورند و با گذشت‌نکردن به اختلافات در تقسیم اموال موروثی دامن بزنند. وراثی که به هیچ قیمتی صلح را در اختلاف‌های ارثی نمی‌پذیرند، بر یک‌دندگی و گذشت‌نکردن مداومت می‌ورزند:

«وقتی [وراث] نمی‌خوان کارشون درست بشه... شروع می‌کنن به یک‌دندگی (۱). خیلی از وراث وقتی روابط بینشون سرد می‌شه، دیگه از خواسته‌های نامعقولشون اصلاً کوتاه نمی‌آن (۱۵). بعضی از ازم‌باشیدگی‌های خانواده‌ها،

به خاطر اصرارهای بیهوده‌ایه که اون‌ها [برخی وراث] بر حرف‌های غلط خودشون دارند (۲۱)».

درنهایت، وقتی فضای اجتماعی بین وراث غبارآلود می‌شود، خشونت‌آمیزترین یا نامطلوب‌ترین رویکرد برای ایجاد روابط اجتماعی غیرسازنده یا آشتی‌ناجویانه بین وراث صورت می‌گیرد و آن حق‌خوری است. در بعضی از خانواده‌ها، به دلایل گوناگونی برخی از وراث با سودجویی‌های منفردانه خود، دارایی حاصل از ارث را به نفع خود مصادره می‌کنند و اجازه بهره‌مندی از حق را به وراث دیگر نمی‌دهند. این عمل بر ارتباطات اجتماعی خانوادگی اثر می‌گذارد و با ازبین‌بردن تعاملات خانوادگی، روند آشتی‌ناپذیری وراث را استحکام می‌بخشد:

«خیلی‌ها هستن که با نامردی، اموال متوفی رو به نام خودشون می‌زنن و دیگران رو از ارث محروم می‌کنن (۲). من چند تا خانواده سراغ دارم، اون‌ی که سواد، روابط و پارتی داشت، همه اموال خانواده رو به نفع خودش مصادره کرد (۹)».

پیامدهای وجود روابط آشتی‌ناپذیر بین وراث

آشتی‌ناپذیری وراث پیامدهای گوناگونی دارد که در یک ارتباط درهم‌تنیده، فضای اجتماعی را به عرصه کشمکش‌های پایان‌ناپذیر مبدل می‌کند. این پیامدها عبارت‌اند از: منطقدزدایی، خویشاوندستیزی، نفرت‌انگیزی، فردگرایی، نارضایتی از زندگی و انسجام‌زدایی که در ادامه به شرح آن‌ها می‌پردازیم.

وقتی رفتارهای احساسی و تقابل‌های مستمر بین وراث شکل می‌گیرد، به تدریج رفتارهای آنان از عقلانیت دور می‌شود و همواره در کنش‌های متقابل اجتماعی آن‌ها، منطقدزدایی صورت می‌گیرد. همه افراد نوعاً دچار حالت‌های احساسی و هیجانی و غیرمنطقی می‌شوند، بدون اینکه بدانند چه اتفاقی درونشان در حال وقوع است (ربانی خوراسگانی و کیانپور، ۱۳۸۸: ۳۶). هنگامی که جو حاکم بر رفتارهای اجتماعی و تعاملات در حوزه ارث‌بری مبتنی بر هیجان و احساسات کاذب باشد، دیگر نباید به دنبال خرد و عقلانیت‌ورزی در رفتار آن‌ها گشت:

«وقتی بین اون‌ها [وراث] کل‌کل [لجبازی] شکل می‌گیره، دیگه عقل و منطق به کار نمی‌آد (۳). خیلی‌ها نمی‌دونن با این جور رفتارهای غیرمنطقی [صلح‌نکردن وراث با هم]، چه بلایی دارن سر خودشون و خونواده‌شون می‌آرن!... خواهر و

برادر کجا پیدا می‌شه؟! (۱۸) برای کسب شیرینی ارث نباید دست به هر کاری زد... این موقع‌ها خیلی‌ها رفتارهای نابخردانه انجام می‌دن که خیلی‌هاشون قابل‌جبران هم نیست (۹)»

پیامد دیگری که این پدیده دارد، خویشاوندستیزی است. درگیری‌ها بر سر ارث در یک دوره زمانی، به تدریج اعتماد بین اعضای خانواده را فرومی‌ریزد و آرامش و هم‌زیستی در خانواده را به‌سادگی به‌سمت واگرایی سوق می‌دهد. امروزه بسیار شنیده می‌شود که نظام خانواده و خویشاوندی در حال فروپاشی است که منشأهای آن گوناگون است، اما اختلافات ناشی از ارث‌بری در این زمینه نقش کلیدی دارد. یکی از مشارکت‌کنندگان اظهار کرد:

«ارث‌ومیراث باعث شده تو خانواده‌ها یه چیزی مثل جنگ خانوادگی شکل بگیره (۱۴)» یکی دیگر از پاسخگویان اظهار داشت: «اختلافاتی که ارث باعث اونه... باعث شده که افراد چنان به جون هم بیفتن که هرگز با هیچ غریبه‌ای چنین کاری نکرده‌ن (۱۱)».

دو پیامد گذشته ممکن است نفرت‌انگیزی را نیز در خانواده و خویشاوندی ایجاد کند. حس تنفر با ایجاد احساسات ناخوشایند بین افراد در نظام خانواده و خویشاوندی، زمینه متارکه آن‌ها را فراهم می‌کند. در نگاه اجمالی می‌توان دید که بسیاری از خانواده‌ها به دلیل اختلافات ارثی، از هم دور شده‌اند؛ به طوری که در برخی از خانواده‌ها، هرگز اتصال دوباره و برقراری محبت و عطف گذشته ایجاد نمی‌شود:

«وقتی جنگ و دعوا سر ارث بالا می‌گیره، آدم‌ها بالاخره حس تنفر نسبت به هم پیدا می‌کنند (۱۷). خیلی از وراثت هستند که حتی بعد از تقسیم ارث هم با هم خوب نیستن و از هم انزجار دارن (۱۶). محبت بین وراثت با دعوای زیاد از بین می‌ره و به مرور زمان از هم بیزار می‌شن (۷)».

اوج گرفتن حس تنفر بر اثر تقابل‌های ناشی از ارث سبب می‌شود افراد با جداشدن از خانواده و جمع، به فردگرایی افراطی روی آورند. فردگرایی در برابر جمع‌گرایی، از مفاهیم رایج علوم اجتماعی است که فرد را در مرکز توجه قرار می‌دهد و رشد افسارگسیخته آن سبب می‌شود رابطه افراد با جامعه و گروه‌ها معمولاً با فاصله زیادی صورت گیرد (آراسته‌خو، ۱۳۸۱:

۲۱۹). روند روبه رشد فردگرایی نامطلوب در بین وراثت سبب می شود آن‌ها اصلاً نیازهای خانواده و بستگان را در نظر نگیرند و صرفاً علایق و خواسته‌های خود را پیگیری کنند: «وارثانی هستند که اصلاً هیچی حالی‌شون نیست. فقط و فقط خودشون رو در نظر می‌گیرن (۹). بعضی‌ها خیلی وقتاً حق رو ناحق می‌کنند... اون‌ها دنیا رو فقط برای خودشون می‌بینن و دیگران رو حساب نمی‌کنن (۱۶). دعوای طوری شده که الان دیگه هرکسی فقط به فکر خودش (۲۰)».

وقتی فردگرایی درون نظام خانواده و خویشاوندی گسترش پیدا کند، تنهایی و افسردگی در بین وراثت امری بدیهی می‌شود و میزان رضایت آن‌ها از زندگی کاهش می‌یابد. رضایت از زندگی، یک مفهوم ذهنی و منحصر به فرد برای هر انسانی است و به ارزیابی‌های شناختی یک فرد از زندگی‌اش اشاره دارد (دی‌یان و راتس، ۲۰۰۸: ۳۰۹). این مفهوم یک ارزیابی کلی از زندگی، و فرایندی مبتنی بر قضاوت فردی است؛ یعنی فرد براساس معیارهای خود، شخصاً کیفیت زندگی‌اش را می‌سنجد (گیانی و بوی‌سان، ۲۰۱۰: ۱۲۱۱):

«افرادی که به خاطر مسائل ارثی با هم دعوا دارن، از این وضعیت اصلاً راضی نیستن (۶). هیچ‌کسی دوست نداره آرامش زندگی‌شو به هم بزنه، ولی نمی‌دونم چرا وقتی پای ارث به میون می‌آد، وضع فرق می‌کنه (۱۳). دعوای ارثی روی اعصاب و روان همه طرفاً تأثیر می‌ذاره (۱۹)».

آخرین پیامد آشتی‌ناپذیری وراثت، انسجام‌زدایی است. انسجام اجتماعی، بر توافق جمعی میان اعضای یک جامعه دلالت دارد و به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن، اجزای تشکیل‌دهنده جامعه به یکدیگر وصل می‌شوند و یک کل معنادار و مؤثر را به وجود می‌آورند (چلبی، ۱۳۷۲: ۲۰-۲۲). زمانی که تعامل بین وراثت مبتنی بر رفتارهای خصومت‌آمیز است، انسجام و توافق در جامعه دچار خدشه می‌شود. این بی‌انسجامی، از سطح خانواده به سطح خویشاوندی و در نهایت به جامعه نفوذ می‌کند. جامعه و فرد برای اعتلای خود به توافق و آرامش نیاز دارند و بدون دسترسی به این وضعیت، هرگز زندگی اجتماعی مطلوب نخواهد بود. کنش‌های مخرب آشتی‌ناپذیرانه وراثت، وحدت اجتماعی جامعه و نظام خانواده و خویشاوندی را تهدید می‌کند و در صورت شدت یافتن، با انسجام‌زدایی در سطوح مختلف،

روابط بین فرد و جامعه و گروه‌های اجتماعی را دچار مشکل می‌کند و دامنه انحرافات اجتماعی را در جامعه بسیط‌تر می‌سازد:

«اختلافات ارثی باعث شده که عده‌ای به دادگاه و نیروی انتظامی برن تا مشکلتشونو حل کنند تا اینکه مشکلات به دست خودشون حل بشه (۵). وقتی دامنه درگیری‌ها بین وراثت به درازا کشیده می‌شه، افراد با هم هیچ جور نمی‌خوان توافق کنن تا وضعیت خانواده‌شون به حالت آرام قبلی برگرده (۱۵).»

بحث و نتیجه‌گیری

ارث یکی از پدیده‌هایی است که همواره بر حیات اجتماعی افراد، اثرگذاری قابل توجهی دارد. امروزه به دلیل تخریب ارزش‌ها و هنجارهای سنتی، تقویت فردگرایی و نیز کم‌رنگ شدن ارتباطات خانوادگی و خویشاوندی، اختلافات ناشی از ارث‌بری، به شکل افسارگسیخته‌ای در حال افزایش است. اختلافات ارثی احتمالاً به مسیری منتهی می‌شود که روند صلح ناپذیری و کاهش تعاملات اجتماعی را در بین وراثت تقریباً تثبیت می‌کند و از این طریق، سرمایه اجتماعی خانواده را به شدت تهدید می‌کند. خانواده و نظام خویشاوندی، مناسب‌ترین جایگاه برای تأمین نیازهای مادی و معنوی انسان است و بهترین بستر را برای ایجاد مکانی امن برای افراد فراهم می‌آورد. البته این امر زمانی تحقق می‌یابد که روابط میان اعضای خانواده در فضایی آرام، عاطفی، منطقی و مستدل سازمان یابد، اما در این راه به دلایل مختلف نظیر اختلافات خانوادگی ممکن است کیان خانواده و خویشاوندی به خطر افتد و بدین شکل، نه تنها نهاد خانواده را با اختلال مواجه کند، بلکه سلامت عمومی جامعه را دچار بحران‌های ویرانگر سازد. وقتی تنازع‌های ارثی شکل می‌گیرد، تقابل‌های اجتماعی از سطح جامعه به خانواده نفوذ می‌کند و پس از گذشت مدتی، با افزایش آن، تضادهای خانوادگی به سطح جامعه برمی‌گردد. این دور تسلسل باطل، جز ناامنی و کاستن سرمایه‌های اجتماعی در جامعه ما، محصول دیگری نخواهد داشت. همان‌گونه که نتایج این پژوهش نشان داد، فرایند آشتی ناپذیری وراثت در یک پیوستار زمانی، آثار مختلفی بر پیکره جامعه در سطح کلان و نظام خانواده و خویشاوندی در سطوح خرد و میانی برجای می‌گذارد. توافق‌نداشتن وراثت و ستیزه‌جویی‌های مداوم آن‌ها سبب می‌شود جامعه دچار

رفتارهای احساسی و عاری از منطق شود و با رشد نفرت‌انگیزی از یکدیگر، بنیان‌های همدلی و محبت در آن نظام‌ها از بین برود. حاصل این ناهمگونی‌ها ایجاد نارضایتی از زندگی خواهد بود و نتیجه‌ای جز کاهش انسجام اجتماعی و سرمایه اجتماعی نخواهد داشت.

برای مبارزه با رشد روند صلح‌ناپذیری وراثت در جامعه می‌توان راهبردهای متعددی اتخاذ کرد، اما به نظر می‌رسد تقویت ارزش‌های دینی و اخلاقی و تأکید بر خانواده سالم، یکی از کلیدی‌ترین راهکارهاست. در این میان، ایجاد روابط سالم در نظام خانواده و خویشاوندی، درگیری بر سر ارث را کاهش، و ثبات و استحکام آن را در برابر بحران‌ها افزایش می‌دهد. ریشه‌های مشکلات درون خانواده، بیش از همه از کم‌شدن توجه ارزش‌های دینی و اخلاقی نشئت می‌گیرد. انواع رفتارهای ناخوشایند به‌ویژه اختلافات ارث‌بری که به روش‌های مختلف درون خانواده‌ها و وابستگان ایجاد می‌شود، ناشی از عواملی مانند کم‌رنگ‌شدن نفوذ تعالیم دینی، کاهش تعلقات خانوادگی، تضعیف ارزش‌ها، فروپاشی اخلاق، مشکلات اقتصادی و زیاده‌خواهی است. همه این موارد نشان می‌دهد برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران به‌روش‌های مختلف و ابزارهای در دسترس باید با کاهش دامنه تخریبی آن عوامل، زمینه‌های تأمین آرامش پایدار را در خانواده تسهیل کنند و با فرهنگ‌سازی مستمر، به سلامت خانواده یاری رسانند. هدف این پژوهش، نشان‌دادن بخشی از عوامل تضعیف بنیان خانواده بود که از طریق ارتباطات غیرسازنده بین وراثت شکل می‌گرفت. مسئله این پژوهش با همه اهمیت که دارد، متأسفانه کمتر موضوع پژوهش‌های داخلی بوده است؛ بنابراین، برای روشن‌شدن زوایای مختلف این موضوع و نیز ارائه راهکارهای عملی درباره آن باید تحقیقات بسیاری در این زمینه صورت گیرد. با همه این احوال، تحقیق حاضر نشان داد یکی از مهم‌ترین عوامل فرساینده سرمایه اجتماعی خانواده، اختلافات ارثی است که باید با آگاه‌سازی و آموزش خانواده‌ها به‌سرعت برای آن چاره‌ای اندیشیده شود.

منابع

- قرآن کریم
- آذربایجانی، مسعود و همکاران (۱۳۸۲)، روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- آراسته‌خو، محمد (۱۳۸۱)، فرهنگ اصطلاحات اجتماعی، چاپ اول، تهران: چاپخش.
- آریان‌پور کاشانی، منوچهر (۱۳۷۸)، فرهنگ همراه پیشرو، تهران: جهان‌رایانه.
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۳)، رابطه بین‌نسلی در خانواده ایرانی، مسائل اجتماعی ایران، انجمن جامعه‌شناسی ایران، تهران: آگه.
- اسپاک، بنجامین (۱۳۶۴)، پرورش فرزند در عصر دشوار ما، ترجمه هوشنگ ابرامی، تهران: صفی‌علیشاه.
- استراوس، انسلم و کریین، جولیت (۱۳۹۲)، مبانی پژوهش کیفی (فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای)، تهران: نشر نی.
- امامی، حسن (۱۳۴۰)، حقوق مدنی، جلد ۳، تهران: کتاب‌فروشی اسلامیه.
- بلیکی، نورمن (۱۳۸۴)، طراحی پژوهش اجتماعی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۲)، دوره حقوق مدنی: ارث، تهران: گنج دانش.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۲)، «وفاق اجتماعی»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۶: ۱۵-۲۸.
- دوکولانژ، فوستل (۱۳۰۹)، تمدن قدیم، ترجمه نصرالله فلسفی، تهران: کتاب کیهان.
- رابرتسون، یان (۱۳۷۴)، درآمدی بر جامعه (با تأکید بر نظریه‌های کارکردگرایی). ستیز و کنش متقابل نمادی، ترجمه حسین بهروان، مشهد: نشر آستان قدس رضوی.
- ربانی خوراسگانی، علی و کیانپور، مسعود (۱۳۸۸)، «جامعه‌شناسی احساسات»، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، شماره ۲: ۳۵-۶۴.
- شیروانی، علی (۱۳۷۹)، اخلاق اسلامی و مبانی نظری آن، قم: دارالفکر.
- صدر، حسن (۱۳۴۲)، حقوق زن در اسلام و اروپا، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.

- طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۷۴)، **المیزان**، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، جلد ۴، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
- عمید، موسی (۱۳۴۲)، **ارث در حقوق مدنی ایران**، قم: پیروز.
- **فهیمی، عزت‌الله (۱۳۸۱)**، بررسی تطبیقی ارث اقلیت‌های دینی در حقوق اسلام و ایران، قم: دانشگاه قم.
- فیلد، جان (۱۳۸۶)، **سرمایه اجتماعی**، ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رضایی، تهران: کویر.
- قبادی، خسرو (۱۳۸۲)، **گسست پارادایمی بین نخبگان فکر ایران: گسست نسل‌ها**، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷)، **تفسیر قمی**، چاپ چهارم، قم: دارالکتاب.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۰)، **التحقیق فی کلمات القرآن**، جلد ۱۳، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- معین، محمد (۱۳۶۳)، **فرهنگ معین**، جلد ۱، تهران: امیرکبیر.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۶۱)، **تفسیر نمونه**، جلد ۱۳، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- نفیسی، سعید (۱۳۸۴)، **تاریخ اجتماعی ایران از زمان ساسانیان تا انقراض امویان**، تهران: اساطیر.
- هاکس، جیمز (۱۳۹۴)، **قاموس کتاب مقدس**، تهران: اساطیر.
- یوسفی، نریمان (۱۳۸۳)، **شکاف بین نسل‌ها (بررسی نظری و تجربی)**، تهران: نشر پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- Dean, M. et al. (2008), The impact of personal resources and their goal leverage on satisfaction with food-related life among the elderly , **Appetite**, No. 2-3: 308° 315.
- Guney, S., Kalafat, T., and Boysan, M. (2010), Dimention of mental health , **Procedia - Social and Behaviroal Sciences**, No. 2: 1210° 1213.
- Shaaban, S. (2011), A Conceptual Framework Review of Social Exclusion, and its Relation with Social Cohesion and Poverty in Europe , **The International Journal of Diversity in Organisations, Communities and Nations**, No.1: 117° 131.
- Israel, G. D. et al. (2001), The Influence of Family and Community Social Capital on Educational Achievement , **Rural Sociological Society**, No.1: 43° 68.